

A study of the Quranic citations from the Fadakia sermon of Hazrat Fatima in explaining the guardianship of the Ahlul Bayt

Asghar Tahmasebi Boldaji ^{a*}

^a Assistant professor, Department, Quranic sciences and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

KEYWORDS

Hazrat Fatima, Fadakia Sermon, Imam Ali, Ahl al-Bayt, Succession of the Prophet

Received: 17 May 2025;
Accepted: 15 July 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2060913.1105

ABSTRACT

The most important political and social issue after the Prophet's death was the guardianship and succession after him. Although this matter was fully explained and propagated during the Prophet's lifetime by divine command, it was diverted after his passing, and the people disobeyed the directives of Almighty God and His Messenger in this regard. As the only child of the Prophet of God, Hazrat Fatimah defended the guardianship of Imam Ali, citing the Quran and the Prophet's Sunnah. In her Fadakia sermon, while explaining the status of the Ahl al-Bayt in general, she specifically explained the position and guardianship of Imam Ali by quoting verses from the Quran. This study has analyzed and examined the verses quoted by Hazrat Fatimah in her Fadakia sermon on this issue using a descriptive-analytical method. These citations demonstrate that Hazrat Fatima (pbuh) sought to emphasize that the status of the Ahl al-Bayt and the guardianship of Imam Ali (pbuh) are firmly rooted in the Qur'an.

* Corresponding author.

E-mail address: tahmasebiasghr@sku.ac.ir

©Author





بررسی اقتباسات قرآنی خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) در تبیین ولایت اهل بیت (ع)

اصغر طهماسبی بلداجی* الف

الف استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، tahmasebiasghr@sku.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
حضرت فاطمه (س)، خطبه فدکیه، امام علی (ع)، اهل بیت (ع)، جانشینی پیامبر (ص)	مهم‌ترین مسئله سیاسی-اجتماعی پس از رحلت پیامبر (ص)، مسئله ولایت و جانشینی پس از ایشان بود. هرچند این امر در زمان پیامبر (ص) و به دستور خداوند به صورت کامل تبیین و تبلیغ شده بود، اما پس از رحلت ایشان، این مسیر منحرف گردید و مردم از اوامر خداوند متعال و رسولش در این باره سرپیچی کردند. حضرت فاطمه (س)، به عنوان تنها فرزند پیامبر خدا (ص)، به دفاع از ولایت امام علی (ع) با تأسی به قرآن و سنت پیامبر (ص) پرداخت. ایشان در خطبه فدکیه، ضمن تبیین مقام و منزلت اهل بیت (ع) به طور عام، جایگاه و ولایت امام علی (ع) را به طور خاص با اقتباس از آیات قرآن تبیین می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، آیاتی را که حضرت فاطمه (س) در جهت تبیین جایگاه اهل بیت (ع) و همچنین ولایت امام علی (ع) اقتباس نموده، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. نتیجه پژوهش بر این مطلب دلالت دارد که حضرت فاطمه (س) با اقتباس صریح و غیرصریح از آیات قرآن و با انتخاب واژگانی کلیدی، مقام و منزلت اهل بیت (ع) و ولایت امام علی (ع) را در این خطبه وزین برای مردم متذکر شده است؛ که این اقتباس‌ها نشان می‌دهد حضرت فاطمه (س) در پی تأکید این مطلب بوده که مقام و منزلت اهل بیت (ع) و ولایت امام علی (ع) از تأکيدات قرآن است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

مقام و منزلت سرور زنان عالم تا بدانجاست که خداوند به رضایت او خشنود و به خشم او خشمگین می‌شود (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۲۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۵۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۵۴) این بیانگر نهایت مرتبه‌ای است که قول، فعل و تقریر ایشان حجت و نشانه‌ای از عصمت است؛ چراکه در حدیث نبوی، رضایت و غضب حضرت فاطمه (س) به صورت مطلق بیان شده و مقید نگردیده است. این امر گویای آن است که سخن، عمل و تأیید ایشان در همه حالات، مطابق خواست الهی است و این همان مفهوم عصمت ایشان می‌باشد.

حضرت فاطمه (س) سراسر زندگی خویش را به قرآن و عمل به آن وقف نمود. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و بروز جریانات سیاسی مخالف دستورات قرآنی، ایشان با رویکردی قرآن‌محور و به شیوه «جدال احسن» - که قرآن بدان توصیه کرده است - به دفاع از حقانیت الهی برخاست و با مخالفان قرآن به احتجاج پرداخت.

ویژگی برجسته تجلیات قرآنی در خطبه فدکیه، علاوه بر اقتباس آیات، تبیین تفسیر و مراد واقعی وحی است؛ به گونه‌ای که مخاطب را هم به سوی وحی الهی هدایت می‌کند و هم فهم عمیقی از مفاهیم آن ارائه می‌دهد. پرسش اصلی نگاشته حاضر این است که با توجه به انحراف آشکار از مسیر قرآن و سنت نبوی در مواجهه با اهل بیت (ع)، حضرت

فاطمه (س) چگونه این مسئله را برای مردم تبیین نمود و آنان را به مقام اهل بیت (ع) و ولایت امام علی (ع) متذکر ساخت؟ در این زمینه، پژوهش‌هایی هرچند محدود انجام شده است؛ احمدیان دلاویز و اسماعیلی، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی احتجاجات حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه در تبیین امامت» به بررسی و تحلیل و چگونگی احتجاجات حضرت فاطمه (س) در تبیین امامت پرداخته‌اند؛ آنچه بیشتر در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است جنبه کلامی و استدلالی احتجاجات حضرت فاطمه (س) است. (احمدیان دلاویز و اسماعیلی، ۱۴۰۱: ۷۵-۹۰) برخی دیگر از پژوهش‌ها به صورت کلی و نه به صورت موردی، به بررسی اقتباسات حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه پرداخته‌اند. (فتاحی زاده، معتمد لنگرودی، ۱۳۹۵: ۵-۱۳۰؛ فتاحی زاده، افسردیر، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۷۸). اگرچه این پژوهش‌ها ارزشمندند، اما به صورت گذرا به موضوع نگریسته‌اند. تمایز پژوهش حاضر در این است که با استخراج نظام‌مند اقتباس‌های مرتبط با اهل بیت (ع)، به گونه‌شناسی و تحلیل تفسیری آنها پرداخته و در دو بخش مجزا به بررسی آیات مورد استناد حضرت فاطمه (س) درباره جایگاه اهل بیت (ع) و ولایت امام علی (ع) می‌پردازد؛ رویکردی که در مطالعات پیشین سابقه نداشته است.

۲. مفاهیم کلی پژوهش

در ادامه برخی از مهم‌ترین اصطلاحات و واژگان کلیدی پژوهش تبیین و تحلیل می‌شود:

۲.۱. خطبه فدکیه

خطبه فدکیه، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین خطابه موجود از حضرت فاطمه (س) است که گزارش آن در منابع معتبر و متعدد فریقین، بیان شده است. نقل همگانی این خطبه، محتوای بلیغ و عمیق، شواهد و قرائن برون‌متنی، از مهم‌ترین ادله اعتبار این خطبه است. سند این خطبه، از طرق متعدد نقل شده است که وجود اسناد متعدد و معتبر در این باره، اعتبار آن را مشخص می‌کند. علامه مجلسی در اعتبار این خطبه بر این باور است که این خطبه از خطبه‌های مشهوری است که خاص و عام آن را با طرق متعدد نقل کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹: ۲۱۵) ایشان در ادامه با طرق متعدد، سند این خطبه را نقل می‌کند. (همان: ۲۱۵-۲۲۰) یکی از مهم‌ترین اسناد معتبر این خطبه- به‌زعم نویسنده- سندی است که شیخ صدوق در «من لایحضر الفقیه» آن را نقل می‌کند. «من لایحضره الفقیه»، یکی از کتب اربعه شیعه و معتبر در این باره است. سند شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» به این صورت است: «وَرَوَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْنَبَ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فِي حُطْبَتِهَا فِي مَعْنَى فَدَكِ» (صدوق، بی‌تا، ج ۵۶۷: ۳). آیت الله خویی که در نقد و بررسی اسناد روایات از دقت و حساسیت خاصی برخوردار است، این سند را صحیح و مورد اعتبار بیان می‌کند. (خویی، ۱۹۷۰م، ج ۴: ۱۰۲-۱۰۳)

ممکن است اشکالی در این باره مطرح شود که شیخ صدوق قسمتی از خطبه را نقل کرده و خطبه به صورت کامل در کتاب ایشان نقل نشده است؛ اما باید گفت: شیخ با این سند، به تمام خطبه دسترسی داشته است و به اقتضای موضوع و مبحث خود، قسمتی از آن را آورده است؛ شاهد این کلام، سخن خود شیخ است که پس از نقل قسمتی از این خطبه می‌نویسد: «وَ الْخُطْبَةُ طَوِيلَةٌ أَحَدْنَا مِنْهَا مَوْضِعَ الْحَاجَةِ» (صدوق، بی‌تا ج ۳: ۵۶۷) بنابراین، از این طریق، سند خطبه مزبور معتبر و متقن است.

در منابع اهل سنت نیز در کتب متعدد، این خطبه با اسناد معتبر نقل شده است. یکی از این اسناد، سند «ابن مردویه» در کتاب مناقب است که به این صورت آن را نقل می‌کند: «ابن مردویه از عبدالله بن اسحاق روایت کرده که محمد بن عبید از محمد بن زیاد از شرقی بن قطامی از صالح بن کیسان از زهری از عروه از عایشه نقل کرده که گفت: وقتی به فاطمه خبر رسید که ابوبکر از دادن فدک به او خودداری کرده است...» (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق: ۲۰۱)

علاوه بر دو سند فوق متن این خطبه با اسناد دیگر نیز گزارش شده است که از طرق شیعه و سنی در کتب متعدد بیان شده است (نک: جوهری، ۱۴۳۱ق: ۹۸؛ ابن طیفور، ۱۳۷۸: ۲۶؛ طبری، بی‌تا: ۱۰۹)

علاوه بر بررسی سندی، یکی از مهم‌ترین روش‌های تعیین اعتبار یک متن، بررسی محتوایی است. متن خطبه فدکیه نه تنها مخالف قرآن نبوده که تمامی عبارت آن، موافق قرآن و ترجمان آن است؛ به عبارتی، سراسر این خطبه، ترجمان قرآن است و قرآن در عبارات این خطبه، به صورت صریح یا غیرصریح تجلی نموده است. در این خطبه، آیات قرآن به گونه‌ای به کاررفته‌اند که هر آیه در جای خود مورد استناد قرار گرفته که علاوه بر اقتباس صحیح از آیات قرآن، تفسیر و تبیین آن نیز بیان شده است؛ که این، خود نشان می‌دهد که گوینده این خطبه، عالم به ظاهر و بطن قرآن بوده است. در این خطبه نه تنها آیات متعددی از قرآن به طور صریح اقتباس شده است بلکه در بیشتر موارد، متن این خطبه درون‌مایه‌ای قرآنی دارد؛ به بیانی الفاظ از گوینده خطبه، ولی محتوا از قرآن است؛ که در این پژوهش اقتباس‌های صریح و محتوایی به طور تفصیلی بیان شده است. انجام خود این پژوهش، اعتبار بالای این خطبه را به لحاظ محتوایی بیان می‌کند. چگونه می‌توان کوچک‌ترین تشکیک بر اعتبار این خطبه داشت؛ در صورتی که این خطبه ترجمان وحی الهی است و بیان مطالب و مفاهیم آن به گونه‌ای است که علاوه بر فصاحت و بلاغت، محتوایی عمیق و برگرفته از آیات قرآن دارد که صدور آن از غیر معصوم ممکن نیست. علاوه بر بررسی سندی و محتوایی که اعتبار متقن و کامل این خطبه را نشان می‌دهد، قرائنی وجود دارد که صدور این خطبه از حضرت فاطمه (س) را تأیید می‌کند. از مهم‌ترین قرائن برون‌متنی در صدور این خطبه، جریان طلب فدک از ابوبکر توسط حضرت فاطمه (س) است که در منابع معتبر اهل سنت نقل شده است. به بیانی، درخواست فدک و احتجاج حضرت فاطمه (س) با ابوبکر، یکی از جریان‌های متواتر و مورد قبول منابع و مصادر روایی و تاریخی است. به عنوان نمونه در صحیح بخاری و صحیح مسلم که از مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های اهل سنت می‌باشند، جریان احتجاج و طلب حضرت فاطمه (س) پیرامون فدک بیان شده است. (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸: ۱۴۹؛ مسلم، بی‌تا، ج ۳: ۱۳۸۱)

یکی از مهم‌ترین اسنادی که نشان می‌دهد این ماجرا، با احتجاج حضرت فاطمه (علیها سلام) همراه بوده و ایشان در مقابل حق خود به پا خاسته‌اند و ابوبکر از اعطاء حق امتناع نموده است، جریان عدم رضایت حضرت فاطمه (علیها سلام) از آنها تا آخر عمر مبارك است؛ که در صحیح بخاری نقل شده است. (نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ۱۳۹) این جریان، به خوبی نشان می‌دهد که حضرت فاطمه (س) تا آخر عمر مبارك خود، از ابوبکر راضی نبوده و این مشخص می‌کند که حضرت (س) برای ابوبکر اقامه برهان نموده و حقانیت خود را اثبات کرده است؛ ولی ابوبکر با وجود حقانیت، از اعطاء آن خودداری کرده است زیرا اگر حقانیت اثبات نمی‌شد، دلیلی نداشت که حضرت فاطمه (س) تا آخر عمر از اینان ناراضی باشد. این مطالب به وضوح جریان فدک و احتجاج حضرت فاطمه (س) را تبیین می‌نماید.

در کتب متعدد دیگر چون تاریخ طبری (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۲۰۸) و غیره نیز این جریان نقل شده است. هر چند که اصل ماجرا به درستی در این کتب تبیین نشده است و مؤلفان این کتب به دلایل سیاسی و اعتقادی، از ذکر جزئیات

خودداری نموده‌اند؛ اما این قرائن به خوبی نشان می‌دهد که مطالبه و احتجاج حضرت فاطمه (س) با ابوبکر در این زمینه اتفاق افتاده و صدور این خطبه را تأیید می‌نماید.

۲.۲. اقتباس

اقتباس، از ریشه «ق-ب-س» است که در کتب لغت معانی متعدد و نزدیک به هم درباره آن بیان شده است؛ به عنوان نمونه، لغت شناسان گرفتن شعله کوچک آتش از آتش بزرگ را اقتباس می‌گویند. (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ۵: ۸۶) صاحب کتاب جمهره اللغه علاوه بر گرفتن شعله آتش، گرفتن علم را نیز از مصادیق اقتباس بیان می‌کند. (ابن درید، ۱۹۷۸م، ۱: ۳۳) جوهری نیز همین تعریف را بیان می‌کند. (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۰) برخی دیگر نیز معنای ظاهری این کلمه را حمل بر مجاز نموده و اقتباس را در بهره‌گیری از علم و خیر نیز اطلاق نموده‌اند. (زمخشری، ۱۹۷۷م، ۲: ۴۷) آنچه در معنای لغوی اقتباس بیان شده، همان بهره‌گیری و گرفتن است که هم بر معنای حقیقی قابل حمل است و هم مصادیق مجازی و معنوی را نیز در برمی‌گیرد. در تعریف اصطلاحی اقتباس قرآنی نیز این گونه آمده است که: اقتباس، بهره‌گیری کلام چه نظم و نثر از قرآن است. (جرجانی، بی تا، ۱۴) برای اقتباس، با توجه به نوع و شکل بهره‌گیری از آن در کلام، اقسام متعدد قابل بیان است؛ **اقتباس کامل**: در این اقتباس، الفاظ و عبارات بدون تغییر و همان گونه که در متن است، آورده می‌شود. شاخص اصلی اقتباس، این است که گوینده، متن اقتباس شده را بدون هیچ دخل و تصرفی در کلام خود می‌آورد. **اقتباس جزئی**: در این اقتباس، قسمتی از الفاظ و عبارت‌های قرآن آورده می‌شود. این نوع از اقتباس، پربسامدترین نوع اقتباس در آثار ادبی است. **اقتباس متغیر**: در این اقتباس، گوینده کلام عبارت اقتباس شده را تغییر می‌دهد و در قالب عبارت جدید بیان می‌کند. **اقتباس محتوایی**: در این نوع اقتباس، معنا و مفهوم یک آیه و آیات در قالب الفاظ جدید بیان می‌شود. مهم‌ترین فایده اقتباس این است که کلام گوینده، با اقتباس بلیغ‌تر، فصیح‌تر و متقن‌تر می‌شود؛ چه این که این صفت بلاغی و ادبی در خطبه‌ها و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز و نصیحت و ارشاد بسیار کارساز است و اقتباس از کلام خدا و رسول خدا باعث تأثیر بیشتر کلام در جان‌ها می‌شود. (نک: المیدانی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۵۳۷)

۳. اهمیت و جایگاه امامت و اهل بیت (ع) در خطبه فدکیه

حضرت فاطمه (س) در مواضع گوناگون، به صورت عام و خاص به مبحث اهل بیت (ع) و امامت اشاره می‌فرماید. به صورت عام، جایگاه اهل بیت پیامبر (ص) - که خود یکی از ایشان هستند - را تبیین می‌نمایند و به طور خاص، مقام امام علی (ع) را به عنوان جانشین برحق پیامبر (ص) مطرح می‌کنند. این موارد با استناد به آیات قرآن کریم بیان شده است که در خطبه فدکیه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱.۳. جایگاه اهل بیت (ع): در همبستگی امت

حضرت فاطمه (س) اطاعت از اهل بیت پیامبر (ص) - که خود نیز از آنان است - را عامل همبستگی امت اسلامی معرفی می‌فرماید؛ چراکه اطاعت از کسانی که اطاعتشان مساوی با اطاعت از پیامبر (ص) و خداوند متعال است، بی‌گمان وحدت و انسجام جامعه را در پی خواهد داشت. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «و طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۹) واژه نظام، از نظم به معنای هماهنگی و یکپارچه نمودن است؛ مانند نخی که دانه‌های مروارید را به هم متصل و یکپارچه می‌کند. فراهیدی می‌نویسد: «(نظام) به معنای هر نخ یا ریسمانی است که

مروارید یا چیز دیگری با آن نظم داده شود. مجموعه منظم شده را «نظم» می‌گویند و عمل نظم بخشیدن را «نظم» و «تنظیم» می‌نامند. همان‌گونه که گوهر یگانه (مروارید) بر اساس نظم و ترتیب خاصی به نخ کشیده می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۱۶۶) مستحکم و هماهنگ کردن موارد متعدد در یک چیز را نیز در تعریف این واژه بیان نموده‌اند. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۴: ۳۳۲) که این نیز به همان هماهنگی و انسجام برمی‌گردد.

به هر صورت، حضرت فاطمه (س) اطاعت از اهل بیت (ع) را عاملی در انسجام، یکپارچگی امت بیان می‌کند که این عبارت اقتباس محتوایی از آیه ۵۹ نساء مشهور به آیه «اولی الامر» است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^(۱). منظور از «اولی الامر» در این آیه مبارک، اهل بیت (ع) هستند که اطاعت آنان عطف بر اطاعت پیامبر (ص) و خداوند شده است و ناگفته پیداست، خداوند امر به اطاعت کسانی که خطا و گناه و اشتباه حتی به میزان کم هم داشته باشند، نمی‌نماید. در این باره، مفسران شیعه متفق القول بوده که مراد از «اولی الامر» ائمه معصوم (ع) هستند. (نک: طوسی، بی تا، ج ۳: ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۳۹۹) علامه طباطبایی در «المیزان» - به طور مفصل - در رابطه با این آیه مبارک بحث نموده و هرگونه اطلاق «اولی الامر» بر غیر از اهل بیت: را طبق اصول قطعی، جایز نمی‌داند و به شبهات متعدد در این خصوص پاسخ گفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۹۰-۴۰۸) علامه فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «علمای شیعه امامیه گفتند: مراد از ایشان، دوازده امام معصوم هستند، زیرا ایشان کسانی هستند که رسول خدا (ص) ولایتشان را ثابت کرده است، همان‌طور که آیه تطهیر بر عصمت ایشان دلالت دارد، این آیه دلیل بر لزوم عصمت «اولی الامر» است به دلیل مطلق بودن اطاعت از آنان، همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم. (همچنین) احادیث جامع زیادی وجود دارد که بر این معنای آیه دلالت دارند.» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷: ۳۲۴)

در این باره، روایات متعددی در تأکید این امر نقل شده است. (نک: کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۸۶؛ بحرانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۹؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴ق: ۲۳۶؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۹۰) جابر بن عبدالله انصاری در روایتی که به حدیث جابر شهرت دارد، از پیامبر (ص) درباره واژه «اولی الامر» سؤال کرد. پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «آنان جانشینان من و امامان مسلمانان بعد از من هستند که اول آنان علی بن ابی طالب (ع) است» و پس از ایشان ائمه بعدی را تا امام عصر (عج) نام می‌برد. (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۴۱)

به جهت عقلی نیز این استدلال مطرح می‌شود که جز ائمه معصوم (ع): که مقام عصمت و علم دارند کسی نمی‌تواند تصدی این عنوان را داشته باشد؛ چراکه دیگران معصوم نبوده و امکان خطا و گناه آنان وجود دارد؛ در صورتی که در این آیه به طور مطلق به اطاعت «اولی الامر» امر شده است. شیخ طوسی در تشریح این استدلال عقلی می‌نویسد: «پیامبر ما از اول تا آخر عمر شریفش، چه در گفتار، چه در آنچه باید انجام دهد و چه در آن چیزهایی که نباید انجام بدهد، معصوم از خطا، سهو و نسیان است؛ زیرا اگر معصیتی از آن حضرت سر بزند، جایگاه خود را در بین مردم از دست می‌دهد؛ و اگر سهو برای آن حضرت جایز باشد، اعتماد مردم به گفتارهای او سلب می‌شود و در نتیجه فلسفه مبعوث شدن ایشان

۱۱. ابی‌سکه لنی که لیه ابی‌آرهنه، از خدا فو ابی‌برید و از ابی‌برید و از ابی‌برید و از ابی‌برید، پس اگر در ابی‌چیزی کشمکش داشتید لید آن را- اگر به خدا و دوران آخرت لوردارید- به خدا و ابی‌برید، آن‌که لربهرت است و نیک فو لم تر. لید: ۵۹)

باطل می‌گردد و این از محالات است». (طوسی، بی تا، ج ۱: ۹۷). نصیرالدین طوسی و علامه حلی نیز وجوب عصمت را عقلاً لازم و ضروری می‌دانند تا اطمینان مردم به پیامبری ایشان حاصل شود. (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۱۳؛ حلی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۴۹) که این حکم به لحاظ عقلی برای جانشینان پیامبر (ص) که راهنمایان مردم پس از ایشان هستند نیز صدق می‌کند.

آیه دیگر که مرتبط با کلام حضرت فاطمه (س) است، این آیه مبارکه است که می‌فرماید: (وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْرِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتَهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا) { و چون به آنان خبری از ایمنی یا خطر برسد آن را منتشر می‌کنند، حال آنکه اگر آن را به پیامبر و به فرماندهشان گزارش برده بودند البته آن عده از آنان (فرماندهان) که خبر شناسند آن را درمی‌یافتند و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود شما جز عده کمی از شیطان پیروی می‌کردید. (نساء: ۸۳) }

مراد و مصداق «أُولَى الْأَمْرِ» در این آیه مبارک، همان مصداق آیه ۵۹ همین سوره است؛ یعنی مصداق آن اهل بیت می‌باشند. علامه طباطبایی بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌نویسد: «و اما «اولوا الامر» در آیه «وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ»، مقصود همان کسانی هستند که در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) به عنوان «اولوا الامر» معرفی شده‌اند - بر اساس آنچه پیش‌ازاین درباره اختلاف مفسران در تفسیر این عبارت گذشت؛ و همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، اساس اقوال در این باره به پنج دیدگاه بازمی‌گردد؛ اما آنچه ما از معنای آیه فهمیده‌ایم، در این آیه (نساء: ۸۳) آشکارتر است.» (همان، ج ۵: ۲۲) از سوی دیگر در این آیه مبارک ارجاع به پیامبر (ص) و «أُولَى الْأَمْرِ» باعث دفع شایعه‌پراکنی‌ها و هرگونه تفرقه و ازهم‌گسیختگی می‌شود؛ یعنی در سایه اینها، امور سروسامان می‌گیرد. اطلاق این آیه فقط برای زمان پیامبر (ص) نبوده بلکه حکم آیه غیر تخصیص زمانی و برای همه زمان‌ها است و مراد از ارجاع هم فقط در زمینه شایعه‌پراکنی یا امور مربوط به جنگ نیست؛ بلکه همه موارد را در برمی‌گیرد. صادقی تهرانی همین مطلب را تأکید می‌کند و ضمن تبیین این مهم به روایاتی در این زمینه استناد می‌کند و می‌نویسد:

«درست است که مورد نزول آیه درباره انتشار خبرهای امنیتی (امن یا خوف) است، اما به‌صورت کلی هشداردهنده هرگونه انتشار بی‌رویه اخبار است و دستور می‌دهد که در امور مشکوک و پیچیده به رسول خدا (ص) و اولی الامر - کسانی که خداوند اطاعتشان را واجب کرده - رجوع شود؛ و آنان کسانی هستند که از سوی پیامبر (ص) به ولایت و رهبری امور شرعی گماشته شده‌اند، و برترینشان معصومان از خلفای اویند (صلوات‌الله‌علیه و آله). از عبدالله بن جندب روایت شده که امام رضا (ع) در نامه‌ای به او نوشتند: «آنچه را که شیطان به ذهنشان انداخت [و باعث شد] فریب شبهات بخورند و در دینشان دچار تردید شوند، [بررسی کن]. در حقیقت، وظیفه آنان این بود که در هنگام حیرت توقف کنند و آنچه را نمی‌دانند به عالم و استنباط‌کننده آن ارجاع دهند؛ چرا که خداوند در کتاب محکم خود می‌فرماید: «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء: ۸۳) یعنی [رجوع به] آل محمد (ص)، که همان‌ها هستند که از قرآن استنباط می‌کنند و حلال و حرام را می‌شناسند و آنان حجت‌های خدا بر خلق هستند» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۷: ۲۰۴)

بنابراین در این آیات مبارک به اطاعت از اهل بیت (ع) به‌طور مطلق امر شده است؛ تا مردم بعد از پیامبر صاحبان امر خود را بشناسند که در پرتو اطاعت از آنها متفرق و گروه‌گروه نشوند بلکه با اطاعت از آنان چون دانه‌های مروارید با یک نخ

محکم در کنار هم مستحکم قرار گیرند. به همین جهت حضرت فاطمه (س) با این کلام ضمن تبیین جایگاه اهل بیت (ع)، به طور محتوایی به این آیات مبارک نیز استناد نموده است.

۲.۳. امامت مانع تفرقه

حضرت فاطمه (س) در یک اشاره صریح، به انحراف امت و اختلاف پیش آمده، اشاره می‌کند که این اختلافی که الان وجود دارد ناشی از آن است که امامت رها شده است؛ بر همین اساس، حضرت فاطمه (س) جایگاه امامت را مانع از تفرقه و اختلاف معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۹) یعنی خداوند امامت ما را مایه ایمنی از تفرقه قرار داده است. این عبارت نیز برگرفته از آیات قرآن و اقتباس محتوایی از این آیه مبارک است که می‌فرماید: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^(۱). درباره مصداق حبل الله در این آیه مصادیق متعددی بیان شده که البته همه به یک حقیقت واحد برمی‌گردد؛ در برخی از روایات، حبل الله به اهل بیت (ع) تفسیر شده است. (عیاشی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۹۴) و در برخی از روایات به قرآن تفسیر شده است. (طوسی، بی تا، ج ۲: ۵۴۵) اما در واقع، هر دو رویکرد یادشده به یک مصداق واحد بازمی‌گردند؛ چراکه اگر قرآن به درستی تفسیر و تبیین شود، جایگاه اهل بیت (ع) روشن می‌گردد و مردم، رهبران حقیقی خود و ضرورت اطاعت از آنان را می‌شناسند. این امر مانع بروز اختلاف و تفرقه می‌شود. از سوی دیگر، اگر مردم به اهل بیت (ع) رجوع کنند و امامت آنان را بپذیرند، اهل بیت (ع) نیز قرآن را - مطابق با مراد خداوند متعال - تفسیر و تبیین می‌نمایند و بشریت را به سرمنزل مقصود رهنمون می‌سازند. به همین دلیل، با مشاهده اختلاف نظرها، تشتت آراء و ظهور مذاهب و مکاتب گوناگون در مواجهه با قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، این نتیجه حاصل می‌شود که هر مکتب و مذهبی، با استناد به قرآن، خود را بر حق دانسته و دیگران را تکذیب نموده است. این وضعیت نشان می‌دهد که مقصود از «حبل الله» در این زمینه محقق نشده است؛ چراکه اعتصام به حبل الله باید موجب وحدت و جلوگیری از تفرقه شود. این واقعیت گواه آن است که قرآن دارای «ثقل» است و ثقل آن، اهل بیت (ع) هستند که توانایی تفسیر قرآن را مطابق با مراد الهی دارند. نتیجه این تفسیر صحیح، جلوگیری از هرگونه اختلاف میان مردم است، به گونه‌ای که امت اسلامی در پرتو رهبری اهل بیت (ع)، متحد و یکپارچه، با پیروی از مکتبی واحد، راه حق را می‌پیمایند. این همان نکته‌ای است که حضرت فاطمه (س) در کلام خود به روشنی بیان فرموده‌اند.

۴. ولایت امام علی (ع)

در خطبه فدکیه، حضرت فاطمه ولایت امام علی (ع) و افضلیت ایشان به عنوان جانشین پس از پیامبر (ص) را متذکر می‌شود و در این باره به صورت صریح و غیرصریح از آیات قرآن اقتباس می‌نماید؛ از جمله:

۱.۴. امام علی (ع) سید اولیاء الله

حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه با عبارتهای متعدد جایگاه امام علی (ع) و مجاهدتهای ایشان را تبیین

۲. و همگی چنگ به ریم با خدا بزنید و از هم میرا کنید و نعمت خدا را بر خویشتن بی ما آورید گد که دشمن یکدیگر بودید و دل ما با شما بودیم
 الفت بخشیدند ادر پرتو نعمتش برادر شدید و بر لبه پرگه‌های از آتش بودیدند اش را از آن جو لیه، بدین با خدا ای کش را برای شه لیه می‌دارد
 مگر شه اراهید لید. (آل عمران: ۱۰)

می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَأَغِرَّةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأُخْمَصِهِ وَيُحْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُشَمِّراً نَاصِحاً مُجِدّاً كَادِحاً لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۰۰) یعنی هر زمان که شاخ شیطان پدیدار می‌گشت یا دهان یاهو گویی از سوی مشرکین باز می‌شد، پیامبر (ص) برادرش علی (ع) را در کامشان می‌افکند و او باز نمی‌گشت مگر این که آنها را لگدکوب کرده و زیر پا می‌گرفت و شراره آتششان را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت. او (امام علی) به خاطر خداوند بسیار رنج می‌دید و برای فرمان او بسیار می‌کوشید؛ نزدیک به پیامبر (ص) و سرور اولیاء الله بود.

این عبارات، اقتباس محتوایی از آیات متعدد قرآن است. عبارت «أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَأَغِرَّةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأُخْمَصِهِ وَيُحْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ»، بر این مطلب دلالت دارد که در زمان جهاد با مشرکان و دشمنان خدا و پیامبر، اولین کسی که پیامبر او را به نبرد می‌فرستاد، امام علی (ع) بود. از عبارت «قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا» این گونه استنباط می‌شود که پیامبر در نبرد با مشرکان و دشمنان خدا، اول کسی را که برای جهاد با آنان انتخاب می‌نمود، امام علی بوده است. این مطلب به لحاظ لفظی، اقتباس از آیات قرآن نیست؛ اما به لحاظ محتوایی برگرفته از مجموعه‌ای از آیات قرآن است؛ به عبارتی حضرت فاطمه (س) در این عبارت محتوای مجموعه‌ای از آیات قرآن در ارتباط با مجاهدت‌های امام علی در نبرد با مشرکان را بیان نموده است. آیات قرآن در ارتباط با این عبارت خطبه فدکیه، در دودسته قابل تقسیم است؛ دسته اول آیاتی که فضیلت و برتری مجاهدان در جهاد با مشرکان و دشمنان خدا را بر کسانی که از جهاد ممانعت می‌کنند و در خانه‌های خود می‌مانند بیان می‌کند؛ در سوره نساء می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵) این آیه مبارک برتری مجاهدان در راه خدا بر دیگران را به صراحت بیان می‌نماید؛ خداوند آنان را که ترک دیار می‌نمایند و به جهاد با دشمنان می‌روند، بر کسانی که به هر دلیلی به جنگ با دشمنان نمی‌روند، برتری والایی داده است و برای آنان اجر و پاداش بزرگی مهیا نموده است. (طبرسی، ج ۳: ۱۴۸؛ طباطبایی، ج ۵: ۴۵) بدون شک امام علی از کسانی بود که در عرصه جهاد در راه خدا گوی سبقت را پس از پیامبر (ص) از همگان گرفت؛ ابن ابی الحدید معتزلی در این باره می‌نویسد: «نزد دوست و دشمن معلوم است که وی (امام علی) در جنگ در راه خدا سرور مجاهدان است. آیا فضیلت جهاد از آن کسی جز اوست؟ و می‌دانی که بزرگ‌ترین جنگ‌هایی که پیامبر خدا (ص) انجام داد، بدر بود که سخت‌ترین ضربه بر مشرکان بود. جنگی که هفتاد نفر از مشرکان در آن کشته شدند و علی (ع) نصف آن تعداد را به تنهایی کشت و مسلمانان و فرشتگان نصف دیگر را کشتند. اگر مغازی محمد بن عمر واقدی و تاریخ الاشراف احمد بن یحیی بن جابر بلاذری و دیگر کتاب‌ها را مطالعه کنی درستی این ادعا را خواهی فهمید. گذشته از کسانی که در غیر آن جنگ (از جمله در احد و خندق) به دست او کشته شدند؛ این موضوع جای بحث طولانی را ندارد، زیرا از آگاهی‌های بدیهی به شمار می‌آید؛ درست مثل علم به وجود مکه یا مصر و نظیر آنها» (ابن ابی الحدید، ج ۱: ۲۴) بنابراین یکی از آیاتی که مورد استناد حضرت فاطمه (س) در شأن مجاهدت‌های امام علی (ع) در دفاع از اسلام و پیامبر (ص) دارد، همین آیه مبارک است.

دسته دوم آیاتی که به فضیلت و جایگاه والای جهاد کنندگان اشاره می‌نمایند از جمله: ۱- (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ أَوْوَا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (۳) این آیه مبارک در شأن امام علی نازل شده است که پیامبر بین مسلمانان عقد اخوت برقرار نمود و خودش با امام علی عقد اخوت بستند؛ سیوطی در تفسیر الدر المنثور روایات متعددی در این باره نقل می‌کند (سیوطی، بی‌تا، ج ۳: ۲۰۵)؛ ۲- (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ أَوْوَا وَ نَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ) (۴) (الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَوْلِيَّكَ هُمُ الْفَائِزُونَ) (۵). این آیات نیز بر فضیلت و جایگاه والای جهادکنندگان دلالت دارند؛ که امام علی بدون شک سرآمد آنان بود. در جنگ خندق پیامبر در وصف امام علی و مجاهدت‌های ایشان در مقابله با عمرو بن عبدود فرمود: «برز الایمان کلّه إلى الشریک کلّه» (قندوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۷۰) یعنی تمام ایمان در برابر تمام شرک، ظاهر گشت. یا در جنگ خیبر در وصف امام علی فرمود: «همانا فردا این پرچم را به مردی خواهیم داد که خدا و رسول را دوست دارد (و خدا و رسول هم، او را دوست دارند)، خدا خیبر را به دست او می‌گشاید. او هرگز نمی‌گریزد». پس علی (ع) را خواست و او که به درد چشم مبتلا بود را شفا داد و فرمود: «خُذْ هَذِهِ الرِّايَةَ فَاْمُضِ بِهَا حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ این پرچم را بگیر و آن را با خود ببر تا خدا خیبر را بر تو بگشاید. علی (ع) با آن پرچم به خیبر حمله کرد و آن را فتح کرد. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۳۷) ابو رافع خادم رسول خدا (ص) درباره فتح خیبر این چنین می‌گوید: «با علی بن ابی طالب (ع) در حالی که پرچم رسول خدا (ص) را در دست داشت به سوی یکی از قلعه‌های خیبر رفتیم. همین که علی (ع) نزدیک قلعه رسید اهل آن بیرون آمدند و به جنگ پرداختند. در گیرا گیر نبرد یکی از جهودان ضربتی بر او وارد آورد که سپر از دستش بیفتاد. علی (ع) درب قلعه را از جای کند و چون سپری در پشت آن به جنگ پرداخت و آن قدر کوشید تا خدای قلعه را بر او فتح کرد.» (ذهبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۸؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۹: ۱۸) بنابراین، منبع اقتباس جملات حضرت فاطمه (س) پیرامون مجاهدت‌های امام علی (ع) این آیات مبارک است.

حضرت (س) در ادامه، در وصف امام علی (ع)، این گونه می‌فرماید: «قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ» که این عبارت نیز نهایت قرابت معنوی امام علی (ع) با پیامبر (ص) را می‌رساند که به روشنی، اقتباس محتوایی از آیه مباهله است که می‌فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (۶). شیخ طوسی، از این آیه در فضیلت امام علی (ع) بر دیگر صحابه بهره جسته است؛ وی در این باره می‌نویسد: «اصحاب ما به وسیله این آیه استدلال کرده‌اند که امیر المومنین (ع) برترین فرد صحابه بود است. از دو راه: اول: موضوع مباهله برای این بود که صاحب حق از گمراه آشکار شود و این ممکن نیست مگر به واسطه

۳. بی‌گمانی که لیه با آوردند و هجرت کردند و به لایچ در راه خدا چه کردند و سکه لئی که ماؤاد دادند و لری نمودند لای اولی علی یکدیگرند (لق ل: ۴)

۴. سکه لئی که لیه با آوردند و هجرت کردند و در راه خدا چه کردند و سکه لئی که ماؤاد دادند و لری نمودند لای لیه با مؤمّن با راستین به لئد ، آمرزشی و روزی بزرگمت له دارند. (لق ل: ۷۴)

۵. سکه لئی که لیه با آوردند و هجرت کردند و در راه خدا چه کردند و سکه لئی که ماؤاد دادند و لری نمودند لای لیه با مؤمّن با راستین به لئد ، آمرزشی و روزی بزرگمت له دارند. (لق ل: ۷۴)

۶. پس هر کس با تو در بزمه آن به لیه آوری چه هست پس از آن دانش که به تو رسید بگو: یه لیه فرزند لیه با و فرزند لیه با و فرزند لیه با و خود لیه با و خود لیه با را فرا خوانیم لیه با له لیه لیه و لعنت خدا را بر دروغگو لیه با نهیم. (آل عمرا : ۳)

کسی که از باطل در امان است و قطع بر صحت عقیده خود دارد و در نزد خداوند از همه مردم برتر است. دوم: رسول خدا (ص) او را مثل نفس خود قرارداد چنانکه فرمود: «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» و انفسنا نفس خود و نفس علی را؛ زیرا همه معتقدند که غیر از این دو نفر فرد دیگری ظاهر نشد؛ و اگر پیامبر (ص) علی (ع) را نفس خود قرار داد واجب است که احدی در فضل و برتر به پای او نرسد» (طوسی، بی تا، ج ۲: ۴۸۵-۴۸۶) سید مرتضی در این باره می نویسد: «احادیث فراوانی داستان مباحثه را تأیید می کنند و آن اینکه پیامبر اکرم (ص)، امیر المومنین (ع) و فاطمه (س) و حسن و حسین (ع) را بر آن فراخواندند. اهل نقل و تفسیر همگی بر این مطلب اجماع دارند.» (علم الهدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۲: ۲۵۴) صاحب تفسیر مجمع البیان معتقد است: «منظور از «وَأَنْفُسَنَا» علی (ع) است و این نهایت فضل و بلندی درجه و رسیدن او به مقامی دلالت دارد که احدی به آن نرسیده است زیرا خداوند او را نفس رسول قرار داد و این مقامی است که احدی بدان رتبه نخواهد رسید.» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲: ۲۴۱) علامه طباطبایی پس از نقل این جریان می نویسد: «این بالاترین مناقبی است که خداوند اهل بیت (ع) را به آن اختصاص داده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۳: ۲۵۹)

حضرت فاطمه (س) در ادامه به یکی از شاخصه های مهم امامت امام علی (ع)، با این عبارت اشاره می کند: «سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ». این عبارت، نهایت افضلیت امام علی (ع) را علاوه بر صحابه پیامبر (ص)، بر اولیاء الله نشان می دهد؛ یعنی پس از پیامبر اکرم (ص)، افضل، ولی و سید شما اولیاء الله، امام علی (ع) است؛ که نه تنها حضرت (س) به معرفی امام و جایگاهشان پرداخته است، بلکه حقیقت خلافت و جانشینی پیامبر (ص) را نیز برای مردم با این عبارت تبیین نموده است. این عبارت، اقتباس محتوایی از آیه ولایت است که می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^(۷). در این آیه، خداوند مراتب ولایت را بیان می کند به این صورت که ابتدا ولایت خداوند، سپس پیامبر اکرم (ص) و پس از آن، ولایت کسانی را که ایمان آورده و در حال رکوع زکات می دهند. درباره مورد اول و دوم، جای هیچ شک و تردیدی نیست. مناقشه مفسران فریقین پیرامون جمله "الَّذِينَ آمَنُوا" و پی جویی مصادیق یا مصداق اصلی آن است. تعیین مطلق جمله "الَّذِينَ آمَنُوا"، ولی و سرپرست مسلمانان را پس از پیامبر اکرم (ص) مشخص می کند. برای تبیین و تفسیر آیه مورد بحث، ابتدا باید شأن نزول آیه را دانست. مفسران شیعه به اتفاق، شأن نزول آیه را درباره امام علی (ع) می دانند و در این باره متفق القول اند، به گونه ای که خبر نزول آیه درباره ایشان را متواتر دانسته اند. (مفید، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۱۸۲؛ طبری، بی تا: ص ۱۹؛ ابوالفتح رازی: ۱۴۰۴ ق، ج ۷: ۲۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۰) مفسران اهل سنت نیز تنها مصداق اولیه آیه را، علی بن ابی طالب (ع) دانسته اند. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۶: ۳۸۸؛ جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۵۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ۷۴). قریب به اتفاق اهل سنت، شأن نزول این آیه را درباره جریان حاتم بخشی امام علی (ع) دانسته اند، به گونه ای که این قول را شأن نزول اصلی آیه تلقی کرده اند. ابن عطیه اندلسی در این باره می نویسد: «هذا قول المفسرين و لكن اتفق ان علی بن ابی طالب اعطی صدقه و هو راکع».

(ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۲۰۹)

تحلیل تفسیری این آیه، پژوهشی دیگر می طلبد که در جای خود، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد؛ ولی آنچه معلوم و

۷. ولی شایسته اخدا و پمبرش و سکه می هستند که لی لی آورند، ه لی که می بردی امی دارند و ک و ندج می دهند که در رکوعند.

روشن است، دلالت این آیه پیرامون ولایت امام علی (ع) افضلیت ایشان بعد از پیامبر اکرم (ص) است که حضرت فاطمه (س)، به درستی از این آیه مبارک اقتباس محتوایی نموده است؛ بنابراین در این عبارات، حضرت فاطمه (س) با اقتباس محتوایی از آیات قرآن و تبیین این آیات با کلام خود، جایگاه امام علی (ع)، خلافت و افضلیت ایشان را تبیین می‌نماید تا با انحراف پیش آمده، تنبهی برای مردم باشد تا از راه باطل برگشته و به ولی حق پیوندند.

۲. ۴. مجاهد در راه خدا و مدافع از دین خدا

حضرت فاطمه (س) در ادامه تبیین نعمت اسلام و مجاهدت‌های پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، از آیات متعدد قرآن اقتباس می‌کند. در اقتباسی جزئی به آیه ۶۴ سوره مائده، این قسمت آیه را اقتباس می‌کند و می‌فرماید: «وَبَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالُ وَ دُؤْبَانِ الْعَرَبِ وَ مَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ كُلِّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ أَوْ نَجَّمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَاعْرِتْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (طبرسی، ج ۱: ۱۰۰). عبارت قرآنی موجود در این عبارت، اقتباس جزئی از این آیه است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُفْقُ كَيْفَ شَاءَ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلِّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»^۸

در این آیه مبارک، به کفر و طغیان یهود اشاره می‌شود که در صدد تخریب اسلام بودند و خداوند فتنه آنان را خاموش ساخت. طبق گزارش «مجمع البیان»، با فتح‌های پیامبر (ص) در جنگ با یهودیان و فتح خیبر و فدک این امر تحقق یافت؛ ایشان در این باره می‌نویسد: «و در این امر، دلیل و معجزه‌ای است؛ زیرا خداوند پیامبر را آگاه کرد و خبرش با واقعیت مطابقت داشت. یهودیان در حجاز از همه جنگجویتر و دژهایشان نفوذناپذیرتر بود تا جایی که حتی قریش از آنها پشتیبانی می‌جست و قبایل اوس و خزرج برای هم‌پیمانی با آنها از یکدیگر سبقت می‌گرفتند و با یاری‌شان، نیرومند می‌شدند؛ اما خداوند قدرت و شوکتشان را نابود کرد و ریشه‌شان را برکند. پس پیامبر (ص) قبیله بنی‌نضیر و بنی‌قینقاع را تبعید کرد، بنی‌قریظه را کشت، اهل خیبر را پراکنده ساخت و بر فدک چیره شد و مردم وادی القری را به اطاعت واداشت. پس خداوند آثارشان را خوارکننده محو کرد». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۴۰).

حضرت فاطمه (س) با احاطه کامل به این آیه و محتوای آن، ضمن اقتباس از قسمتی از این آیه که در رابطه با مجاهدت‌های پیامبر (ص) و امام علی (ع) در دفع شر یهود و مشرکان است، به تفسیر آن نیز می‌پردازد و می‌فرماید: «فَدَفَّ أَخَاهُ فِي لَهْوَاتِهَا فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ وَ يَحْمِدُ لَهَا بِسَيْفِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۱) یعنی هرزمانی که آتش جنگ از سوی مشرکان یا یهود برافروخته می‌شد، پیامبر (ص) برادرش علی (ع) را در کامشان می‌افکند و او باز نمی‌گشت مگر اینکه آن‌ها را لگدکوب کرده و شراره آتششان را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت. به بیانی، حضرت فاطمه (س) با اقتباس قرآنی جایگاه امام علی (ع) در دفع شر یهود و مشرکان را بیان می‌کند که اشاره به مجاهدت‌های ایشان در جنگ‌های صدر اسلام از جمله: بدر، احد، خندق و خیبر دارد؛ که امام علی (ع) شاخص تأثیرگذار آن جنگ‌ها

۸. یهودی می‌گفتند: دست خدا بزنجر بسته است. دستش نمی‌تواند به ما بخشد و این را تا آنکه او را بپروردگارت به تو دل شده بر سرکشی و کفر اکثری می‌افزاید و در می‌تواند آن‌ها را روزی که مدت عداوت و دشمنی برقرار کردیم. هر روزی برای جنگ آتشی بوسه بخشد، خدا آن را خاموش نمود و برای ما لطف کرد روی زمین میکوشند و خدا هرگز لطف کرد و آن را دوست نمی‌دارد. (بخاری، ج ۶: ۶۴)

در دفاع از پیامبر (ص) و اسلام بود و به دفع شر یهود و مشرکان همت گماشت. در این باره، روایات متوافری وجود دارد که امام علی (ع) را پیشتر در جنگ‌ها و مجاهدت‌ها و فداکاری‌ها در رکاب پیامبر (ص) معرفی می‌کند و هیچ شکی میان فریقین در این باره نیست. (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۹ق: ۵۸۸؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۵۱۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۷۱) حضرت فاطمه (س) علاوه بر تبیین مجاهدت‌های پیامبر (ص) و امام علی (ع) در دفع شر مشرکان و یهود، جایگاه آنان در حفاظت از اسلام و مسلمین را نیز بیان می‌کند و ضمن اقتباس جزئی از قرآن، گذشته مسلمانان را که در وضعیت بدی بودند، متذکر می‌شود تا بدانند با مجاهدت‌های چه کسانی به وضعیت کنونی رسیده‌اند. به عبارتی، حضرت (س) علاوه بر اقتباس قرآنی، تفسیر مصداقی «أَطْفَأَهَا اللَّهُ» را نیز بیان نموده است.

۵. نتیجه

در خطبه فدکیه، حضرت فاطمه (س) با بهره‌گیری از اقتباس‌های قرآنی، به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان، از آیات قرآن برای تنبیه و هدایت آنان به سوی حقایق استفاده می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی پس از رحلت پیامبر (ص) — که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود — موضوع جانشینی ایشان است. بر اساس آیات قرآن و روایات صحیح از پیامبر (ص)، امام علی (ع) به عنوان جانشین بلافاصله آن حضرت تعیین شده بود؛ اما پس از رحلت ایشان، اوضاع دگرگون شد و وصیت قرآن و پیامبر (ص) عملی نشد. به همین دلیل، حضرت فاطمه (س) در راستای تبیین تعالیم قرآنی و سنت نبوی، به دفاع از ولایت امام علی (ع) پرداختند. در خطبه فدکیه — که برای احقاق حق فدک ایراد شد — نیز ایشان از جنبه‌های مختلف به موضوع ولایت امام علی (ع) و اهل بیت (ع) اشاره می‌کنند. حضرت فاطمه (س) در این خطبه، با استفاده از رویکردهای گوناگون و با اقتباس از آیات قرآن، مقام و منزلت اهل بیت (ع) در جامعه اسلامی و ولایت امام علی (ع) به عنوان خلیفه بر حق پیامبر (ص) را به روشنی بیان می‌دارند. در رویکرد عام، جایگاه اهل بیت (ع) و نقش آنان در وحدت جامعه اسلامی را تشریح می‌کنند؛ بدین معنا که اهل بیت پیامبر (ص) نقشی محوری در انسجام امت اسلامی دارند و پیروی از ولایت آنان، مانع تفرقه می‌شود؛ زیرا با انتخاب رهبری الهی، امت در مسیری واحد قرار گرفته و اختلافات از بین می‌رود. در رویکرد خاص، حضرت فاطمه (س) با اقتباس صریح و غیرصریح از آیات قرآن، بر افضلیت امام علی (ع) و جایگاه بی‌بدیل ایشان در جانشینی پیامبر (ص) تأکید می‌ورزند. عباراتی همچون: «مُكْدُوْدًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ» نمونه‌هایی از این اقتباسات محتوایی هستند که برخی از آنها — مانند «سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ» — به روشنی با استناد به آیه ۵۵ سوره مائده، بر ولایت امام علی (ع) دلالت دارند. همچنین، در اقتباسی صریح از آیه ۶۴ سوره مائده، به جایگاه رفیع امام علی (ع) و مجاهدت‌های بی‌وقفه ایشان در خدمت به اسلام اشاره شده است.

۶. فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۴۰۹ق)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت: دارالفکر.
 ۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۷۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین.
 ۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *منتشابه القرآن ومختلفه*، قم: انتشارات بیدار.

۴. ابن طیفور، ابوالفضل (۱۳۷۸)، بلاغات النساء، قم: مکتبه الحیدریه.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن مردویه اصفهانی، ابوبکر احمد بن موسی (۱۴۲۴ق)، مناقب علی بن ابی طالب (ع) و ما نزل من القرآن فی علی، تحقیق عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، قم: دارالحديث، چاپ دوم.
۹. احمدیان دلاویز، حسن، اسماعیلی، معصومه (۱۴۰۱ش)، «روش‌شناسی احتجاجات حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه در تبیین امامت»، مجله تاریخ اهل بیت، سال دوم، شماره سوم، ص ۷۵-۹۰.
۱۰. بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۲ق)، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام، تحقیق سیدعلی عاشور، بیروت: مؤسسه تاریخ اسلامی، چاپ اول.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۲۵ق)، سنن ترمذی، بیروت: دارالفکر.
۱۵. جرجانی، علی بن محمد (بی تا)، التعریفات، تهران: ناصر خسرو.
۱۶. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. جوهری، احمد بن عبدالعزیز (۱۴۳۱ق)، السقیفة و فدک، کربلاء: العتبة الحسینیة المقدسة.
۱۸. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: انتشارات وزارت ارشاد، چاپ اول.
۱۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالمعرفة.
۲۰. حلی، یوسف بن محمد (۱۳۶۲ش)، کشف المراد، تهران: انتشارات اسلامیة.
۲۱. الحمیری، ابن هشام (بی تا)، السیرة النبویة، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبه محمدعلی صبیح.
۲۲. خوئی، ابوالقاسم (۱۹۷۰م)، معجم رجال الحدیث، نجف اشرف: مطبعة الاداب.
۲۳. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفة.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفة.
۲۵. رازی، ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، تفسیر روح الجنان، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی (ره).
۲۶. زمخشری خوارزمی، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر (۱۹۷۷م)، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت: دارالفکر الاسلامیه.
۲۷. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۲۸. صدوق، محمد بن بابویه (بی تا)، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: انتشارات مرتضی، چاپ اول.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن (مجمع البیان فی تفسیر القرآن)*، تحقیق: با مقدمه جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۲. طبری، ابن جریر رستم (بی تا)، *دلائل الامامة*، قم: انتشارات بعثت.
۳۳. طبری، ابن جریر رستم (بی تا)، *دلائل الامامة*، قم: انتشارات بعثت.
۳۴. طبری، ابن جریر (۱۳۷۸ق) *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: روائع التراث العربی
۳۵. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۳۶. الطریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، تهران: انتشارات مرتضوی.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *الرسائل العشر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۹. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰ق)، *الشافی فی الامامه*، تهران: انتشارات موسسه الصادق.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۲۱ق)، *تفسیر العیاشی*، قم: موسسه البعثه.
۴۱. فتاحی زاده، فتحیه، افسردیر، حسین (۱۳۹۵)، *کارکرد تفسیری اقتباس های قرآنی خطبه های حضرت زهرا، سراج منیر*، شماره ۲۴.
۴۲. فتاحی زاده، فتحیه، معتمد لنگرودی، فرشته (۱۳۹۵)، *روابط بینامتنی خطبه فدکیه با قرآن*، سراج منیر، شماره ۲۲.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، *العین*، قم: موسسه دارالهجره.
۴۴. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک لطباعه و النشر.
۴۵. قندوزی حنفی، شیخ سلیمان (۱۴۱۸ق)، *ینابیع الموده*، بیروت: موسسه الاعلمی.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیا التراث.
۴۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن المجید*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. میدانن، عبدالرحمن (۱۴۱۶ق)، *البلاغه العربیه*، بیروت: دارالقلم.
۵۰. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *تجرید الاعتقاد*، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دارالفکر.
۵۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دارالفکر.